



بهار، فضیل آفرینش

بهار از راه رسیده است، با مژده شکوفه و باران. باران رحمت و خیر و شمیم گل سرخ. طبیعت جامه کهنه خود را بدل می‌کند، خستگی از تن می‌گیرد و نو می‌شود. این نوشدن و تحوّل اساسی‌ترین پیام بهار است، پیام تغییر و تکامل، پیام حرکت و پیشرفت و در نهایت پیام توحید. در پس تمامی این تحولات دستی توانا حضور دارد که شکل دهنده جهان و تغییرات آن است و هرازگاهی یکبار طبیعت را چهره‌ای تازه می‌بخشد و زندگی نو می‌آفریند.

تأثیر این نوشدن در بهار نه تنها بر طبیعت بلکه بر اکثر اندیشمندان و بزرگان و صاحب‌نظران دیده می‌شود، بگونه‌ای که هریک از آنها شعر یا مقاله یا قطعه‌ای در باب این فصل زیبا از خود بجا گذارده‌اند. از میان این آثار نقل شعر زیبای حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران بسیار مناسب خواهد بود تا از طریق آن علاوه بر شناخت عمیق‌تر بهار، لطافت‌های روحی آن مرد بزرگ را نیز دریابیم.

بهار آمد جوانی را پس از پیری زسرگیرم
بگلشن بازگردم با گل و کلین درآمیزم
خزان و زردی آنرا نهم در پشت سر روزی
پر و بالم که دردی از غم دلدار پرپر شد
بهنگام خزان در این خراب آباد بنشستم
اگر ساقی از آن جامی که بر عشاق افشاند
کنار یار بنشینم ز عمر خود ثمر گیرم
بطرف بوستان دلدار مهوش را ببر گیرم
که در گلزار جان از گل عذار خود خبر گیرم
بفروردین بیاد وصل دلبر بال و پر گیرم
بهار آمد که بهر وصل او بار سفر گیرم
بسیفشانند بمستی از رخ او پرده برگیرم

دکتر علی شریعتی اسلام‌شناس و جامعه‌شناس متعهد و انقلابی دیدگاه خود را درباره نوروژ چنین بیان می‌دارد: «اسلام که همه رنگهای قومیت را زدود و سنتها را دگرگون کرد، نوروژ را جلای بیشتر داد، شیرازه بست و آن را با پشتوانه‌ای استوار، از خطر زوال در دوران مسلمانی ایرانیان، مصون داشت. انتخاب علی به خلافت و نیز انتخاب علی به وصایت، در غدیر خم، هر دو در این هنگام بوده است و چه تصادف شگفتی آن همه خلوص و ایمان و عشقی که ایرانیان در اسلام به علی و حکومت علی داشتند پشتوانه نوروژ شد. نوروژ که با جان ملیت زنده بود، روح مذهب نیز گرفت، سنت ملی و نژادی، با ایمان مذهبی و عشق نیرومند تازه‌ای که در دل‌های مردم این سرزمین برپا شده بود پیوند خورد و محکم گشت، مقدس شد و در دوران صفویه رسماً یک شعار شیعی گردید، مملو از اخلاص و ایمان و همراه با دعاها و اوراد ویژه خویش.»

بهار می‌آید و می‌رود و با خود حرفها دارد. حرفهایی چون عشق، دوستی، همدردی، همراهی، تقسیم رنج و شادی. این حرفهای بهار است، اما متأسفانه این حرفهای زیبا شنونده چندان ندارد و این است که می‌بینیم کینه، دشمنی، بی‌تفاوتی و ظلم در سراسر جهان حکمفرماست و مظلومین و مستضعفین را پناهگاهی نیست. به همین دلیل است که مسلمانان فلسطین همچنان در دام توطئه‌ها گرفتارند و بسنی و هرزگوین و چچن مقتول دست ظالمان زمان و بالاخره به همین دلیل است که مستضعفین آفریقایی از فقر در حال نابودی‌اند و سیرشکمان آمریکایی در حال ترکیدن.

شاید بدلیل همین ظلمها و جنایات است که دعای زمان تحویل خواستار تحول در انسان می‌شود آن هم بهترین نوع تحول. «ای خداوند دگرگون کننده قلبها و چشم‌ها، ای خداوند دگرگون کننده حال‌ها، حال ما را به بهترین احوال دگرگون فرما.»

بطور قطع اگر این دعا مستجاب شود و خداوند متعال به بندگان خود لطف نماید، انسان دگرگون می‌شود و از حالات حیوانی به حالات انسانی تکامل می‌یابد. در چنین شرایطی ظلم و اختلاف طبقاتی و قتل و غارت از جامعه بشری رخت بر می‌پندد و حاکمیت با انسان خداگونه می‌شود.

اینجانب به نمایندگی از طرف تمامی دست‌اندرکاران نشریه دارویی رازی حلول سال نور خدمت همکاران عزیز و گرامی تبریک عرض نموده و آرزو می‌کنم در سال جدید نیز مورد لطف شما دوستان مهربان و صمیمی باشیم. در اینجا بر طبق سنت هر ساله گزارش مختصری در مورد آخرین

وضعیت نشریه خدمت همکاران عزیز تقدیم نموده تا همه عزیزان در جریان پیشرفت امور مجله خود قرار گیرند.

همانگونه که خوانندگان عزیز مسبقاً در نشریه دارویی رازی با استفاده از ۱ درصد بودجه طرح ژنریک آغاز به کار نمود و بدون مواجهه با مشکل جدی وارد پنجمین سال فعالیت خود شد. در چنین شرایطی و علیرغم استقبال بی نظیر اکثر همکاران، با یک تصمیم نسنجیده بودجه مربوط قطع گردید و انتشار نشریه و ادامه کار آن با بحران مواجه شد. مسئولین نشریه که از علاقه همکاران نسبت به مجله آگاه بودند، بهترین راه حل را طرح مشکل با مخاطبین گرامی دانستند و این اقدام انجام شد. خوشبختانه پاسخ اکثر قریب به اتفاق همکاران تأیید تصمیم دست اندرکاران نشریه مبنی بر تامین بخشی از هزینه‌ها توسط خود همکاران بود. پاسخها و نظریات فراوانی به دفتر نشریه واصل شد و تقریباً تمامی آنها ضمن قبول هزینه اشتراک، توصیه به ملاحظه دانشجویان جهت تخفیف ویژه داشتند.

بخشی از پاسخها تاکنون در ستون بازتاب از دل بر دل و بخشی دیگر در ستون رازی و خوانندگان درج گردید. همچنین اسامی بعضی از دوستانی که فقط با تصمیم متخذه موافقت کرده بودند و نامه‌هایشان حاوی پیام دیگری نبود نیز بطور جداگانه منتشر شد. نامه‌های دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که به مرور زمان به درج آنها خواهیم پرداخت. در این جا مناسب است به ذکر مختصر چند نامه که با نامه‌های دیگر تا حدی متفاوت است بپردازیم تا همگی عزیزان همکار و همچنین مسئولین وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و نیز مسئولین تصمیم‌گیر کشور در جریان امر قرار گیرند و در صورت لزوم تصمیمات ضروری را اتخاذ نمایند.

آقای دکتر حمید قهرمان صغیر (داروساز) از شهرستان رشت در پاسخ نظرخواهی نشریه چنین

نگاشته‌اند:

«..... و اما سخن بنده این است که با وجود این که بسیار مشتاق ادامه دریافت مجله هستم و با توجه به قیمت تمام شده سالانه مجله (۱۸۰۰ تومان) باید به عرض برسانم که اینجانب در حال حاضر سرباز بوده و مدت ۷ ماه است که از کار در داروخانه و تقبل مسئولیت فنی بی‌بهره‌ام و ظاهراً در سطح استان سرسبز ما داروخانه‌ای یافت نمی‌شود که بتوان مسئولیت فنی آنرا بعهده گرفت (البته بنا به اظهار مسئولین ذیربط استان). و از طرفی ۶ ماه است که فیش حقوقیم که احتمالاً باید ۴۰۰۰ تومان باشد، نیز دریافت نکرده‌ام. با این اوصاف باید خاطر نشان کنم که اگر برای اینجانب و سایر دوستان همدرد، سوبسیدی قائل نشوید، یقیناً ما را از بهره‌مندی مجله وزینتان محروم خواهید کرد و راهی برایمان باقی نخواهد ماند جز این که در حسرت فراق بسوزیم و بسازیم. اگر لطف فرموده و برای همکاران سرباز هم سوبسید دانشجویی قائل شوید بسیار سپاسگزار و مرهون الطاف شما خواهم شد.»

نامه دیگری که در واقع مفهومی متفاوت با نامه قبلی دارد مربوط به آقای دکتر مهدی زاهدی

(داروساز) از شهرستان ساری است. ایشان پس از اظهار لطف فراوان به نشریه چنین ادامه میدهد: «در خصوص آبونمان شدن باید به عرض برسانم که نه تنها مبلغی را که بیان فرمودید بلکه مقادیر بیشتر را نیز حاضر به پرداخت هستم تا این نشریه وزین به فعالیت خود ادامه دهد».

آخرین نامه‌ای که در این جا خلاصه‌اش درج میگردد مربوط به آقای حسین پورنجفی دانشجوی سال پنجم پزشکی دانشکده کارل داویلا از کشور رومانی است. ایشان نیز ضمن اعلام محبت بسیار به نشریه اظهار میدارد: «ماهنامه وزین رازی به عنوان ارمغان با ارزشی است که از سوی پیش کسوتان علم پزشکی کشور عزیزمان بدستم می‌رسد و در میان اساتید و دانشجویان رومانیایی و خارجی‌ام همیشه باعث سرافرازی و افتخارم بوده است. استدعا میکنم که تمامی ابتکار و خلاقیت خود و همکاران محترمتان را جهت تداوم چاپ ماهنامه وزین رازی بکار گیرید و ... بنده با کمال میل حاضر به پرداخت هزینه اشتراک و ارسال آن می‌باشم».

مسئولین نشریه رازی با توجه به پاسخ مثبت همکاران و بدلیل عشق و علاقه ویژه به نشریه و علیرغم وجود مشکلات بسیار تصمیم به ادامه کار گرفتند و اکنون اولین شماره غیرمجانمی مجله را در اختیار عزیزان قرار میدهند و امیدوارند که با استعانت از خداوند متعال این راه پرفراز و نشیب را ادامه دهند. پیمودن این راه نیازمند کمکهای فراوان مادی و معنوی است. اطمینان قاطع داریم که همچون گذشته تنهایمان نمی‌گذارید و در تمام زمینه‌ها یاریمان خواهید داد.

دکتر سیدمحمد صدر

